



---

# بحران عقلانیت مسلمان

(چالش‌ها، چارچوب‌ها، چاره‌اندیشی‌ها)

مؤلف: عبدالحمید ابوسلیمان

مترجم: علی عزیزی

---

## بحران عقلانیت مسلمان

(چالش‌ها، چارچوب‌ها،

چاره‌اندیشی‌ها)

مؤلف: عبدالحمید ابوسلیمان

مترجم: علی عزیزی

ناشر: نشر احسان

جا بختانه: مهارت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۶-۳۵۶-۹۹۵-۲

ابوسلیمان، عبدالحمید، ۱۹۳۶- م.

بحران عقلانیت مسلمان:

(چالش‌ها، چارچوب‌ها،

چاره‌اندیشی‌ها)

نویسنده عبدالحمید احمد

ابوسلیمان: مترجم علی عزیزی

تهران، احسان، ۱۳۹۴.

۳۹۰ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۶-۳۵۶-۹۹۵-۲

موضوع: عقل و ایمان،

روان‌شناسی اسلامی،

مسلمانان - زندگی فرهنگی،

عقل‌گرایی (اسلام)

عزیزی، علی، ۱۳۶۵-، مترجم

۱۳۹۴ ۱۶۶۴۰۴۱ الف / ۲۲۵

BP۲۹۷ / ۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۳۳۸۸



نشر

## فهرست

۹	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۲۵	مقدمه‌ی نویسنده
۳۱	زیرویرانه‌های ساختمان
۳۹	فصل اول: ترکیب تئوری سنت‌گرایی و تجددخواهی اسلامی
۴۶	راه حل وارداتی
۵۴	مسلمانان و راه‌حل وارداتی
۷۴	شکاف میان نظام فکری و نظام سیاسی
۱۰۵	فصل دوم: پروگرام کلاسیکی / سنتی و اندیشه اسلامی
۱۰۶	اصول و مبانی
۱۰۶	تعریف و توضیح
۱۰۹	علوم شرعی و غیرشرعی

- ۱۱۸ ..... زنده به گور کردن علوم اجتماعی
- ۱۲۵ ..... برخورد عقل و نقل و پیامد منفی آن
- ۱۶۱ ..... فصل سوم: پروگرام اندیشه اسلامی: بنیادها و مبناهای آن
- ۱۶۶ ..... تکامل جهان ماده و ماوراء ماده
- ۱۷۷ ..... کتاب هستی
- ..... شاخصه‌های پروگرام فکر اسلامی: گستردگی حوزه کاری و ابزار  
 ۲۴۶ ..... کاری
- ..... فصل چهارم: روش شناختی اسلامی و مطالبات بنیاد نهادن علوم تمدن  
 ۲۶۱ ..... اسلامی
- ۲۶۶ ..... گستردگی حوزه‌ی نگاه و نگرش علمی و تمدنی
- ۲۹۱ ..... ارتباطات اجتماعی
- ..... فصل پنجم: پیش‌گفتارهایی در رابطه با علوم اجتماعی
- ۲۹۹ ..... فصل ششم: اسلام و چشم‌انداز آینده
- ۳۶۳ ..... آینده حرکت مسیر کاروان جامعه انسانی
- ۳۸۳ ..... موضوع اول:
- ۳۸۵ ..... موضوع دوم:
- ۳۸۹ ..... در پایان: اسلام موضوع بنیادین جامعه اسلامی است:
- ۳۹۶ .....

## مقدمه

پارادایم نقل و عقل:

سیر حرکت عقلانیت اسلامی در طول تاریخ خویش، هرچند که قلعه‌های بزرگی را فتح کرده و مشعل‌های فراوانی را بر سر مسیر انسان قرار داده و خلاقیت‌ها و نوآوری‌های زیادی را در کتاب تاریخ خود به ثبت رسانده، و برگ‌های ذرینی را به خود اختصاص داده، اما متأسفانه سیر نزولی فراوان و حرکت در مسیرهای خطرناک و تصمیمات فلج‌کننده‌ی فراوانی را نیز از خود انجام داده، و سیر مسیرهای پریچ و خم و خطرناکی را طی کرده که تا به امروز هم جامعه اسلامی و فکر و فرهنگ اسلامی باج این حرکت‌ها و تصمیم‌ها را خواهد داد، و هنوز هم به درستی نتوانسته سلامتی و تندرستی و شکوفایی و بالندگی را بازابد. تصمیم‌های خطرناکی همانند: انزواگزینی عقلانیت دینی از عقلانیت سیاسی، تغییر سیستم خلافت به سیستم ملوکیت بستن باب اجتهاد، رکود فکری و خشک اندیشی بر سر ساختارها و تعریف‌ها و چارچوب‌های سیاسی و اجتماعی، و عدم توسعه قواعد فقهی و اصولی، و از همه مهمتر و بدتر با نهادن عقل به حوزه‌ی غیبات و فرارفتن عقل از حوزه‌ی کاری خویش به

حوزه‌ای که هرگز توان مانور آن را ندارد؛ زیرا موضوع تعیین و تعریف چارچوب حوزه کاری و نقش آفرینی نقل و عقل از جمله پر هیاهوترین و پر معما ترین مباحث در طول تاریخ ادیان و فلسفه بوده است.

زیرا همیشه این موضوع میدان مانور فکری و فلسفی و دینی نص‌گرایان و عقل‌گرایان بوده است، در این رابطه اظهار نظرها و ابتکار عمل‌هایی از خود نشان داده‌اند؛ اما در بسیاری از موارد این تلاش‌ها و تکاپوها و ابتکارها و اظهار نظرها دچار نوعی پادرگمی و پادرمیانی شده‌اند، گاهی دین را در رکاب عقل و گاهی دیگر عقل را درکاب دین درآورده‌اند، و برای برخورد با مسایل و مباحث موجود و پدیده‌های به وجود آمده گروهی با استفاده از روش تفسیر عقلانی، انسانی و ناسوتی محض و گروهی دیگر با استفاده از تفسیر دینی، الهی و لاهوتی محض به قرائت آن‌ها پرداخته‌اند، چه بسا در ادوار مختلف تاریخ این سیر و صعودها راه، افراط و تفریط را پیش‌رو گرفته گاهی نقل را فدای عقل و گاهی دیگر عقل را به پای وجود نقل قربانی نموده‌اند، و با انتظارات خارج از چارچوب اصولی و با نگاهی مطلق‌گرایانه هر موضوع و مسئله‌ای علمی و ابتکارات و فن‌آوری‌های علمی را به وحی ربط داده و با هر نوع اجحاف و اجبار و اکراهی شده برای پیدا کردن سرنخی برای مسایل علمی در متون دینی تلاش و رسالت خود را معطوف به این امر مهم نموده‌اند!!

و یا گروهی دیگر با نگاه و دیدگاه دیگر تمام هم و غم خود را معطوف به این موضوع نموده‌اند که برای هر مسئله و گزاره‌ای دینی تأییدهای علمی و عقلانی آرایه دهند، و مهر صحت و سقم را بر گزاره‌های دینی بنهد؛ در واقع این پافشاری‌ها و کلی‌نگری‌ها و فرافکنی‌های عقل‌گرایان و نص‌گرایان از جمله خطرناک‌ترین تلاش‌ها بوده که در این رابطه صورت

گرفته، زیرا همین تکاپوهای اجحاف‌گرایانه بوده که بسیاری از رخدادها و حادثه‌های تلخناک را در تاریخ انسان به ثبت رسانده، و همین تجاوز مرزی‌ها و مطلق‌نگری‌ها بوده. که بیشترین ضربه را به نقش‌آفرینی و رسالت مهم نقل و عقل وارد کرده، و همین خلط حوزہ‌ها و هدایت‌دهی‌های نادرست بوده که عقل‌گرایان و نص‌گرایان را دچار سردرگمی و سراسیمگی نموده و نتوانسته‌اند آن‌چه را که شاید و باید است مسئولیت و رسالت خود را انجام دهند، و بزرگترین ضربه را به پیکر تنومند و شکوه‌مند عقل و نقل وارد نمایند، و بدان‌ها اجازه داده نشده در فضای آرام و امن در راستای اهداف خویش شکوفا و شکوه‌مند شوند و... متأسفانه در بسیاری از ادوار تاریخ این نگاه‌ها و نگره‌ها و سیر و صعودی‌های افراطی و مطلق‌نگری حاکم بوده، و اجازه حاکمیت به گفت‌مان و دیدگاه اصلی و میانی داده نشده.

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌توان این مشکل بزرگ را از ادوار مختلف مشاهده کرد.

آن‌گاه که مسیحیت عقل را در بند نقل درآورد و آن را در آن چارچوب تعریف و ادغام نمود، و برای هر موضوعی و پدیده‌ای علمی و عقلی و نوآوری و فن‌آوری و یافته‌های علمی، خواست تفسیر دینی ارایه و سرنخی و حیانی برای آن بیابد و فیلترهای خطرناک اسکولاستیکی را برای حرکت عقلانیت قرار داده و با ایجاد دادگاه‌های انگیزاسیونی و حاکم نمودن ابر سیاه و ماتم قرون وسطایی بر آسمان و زمین، بیشترین ضربه را هم به رسالت عقل و هم به جایگاه نقل وارد کرد و بزرگترین تلفات روحی و روانی و عقلانی و معنوی و جانی را بر پیکر جامعه وارد نمود...

از جانبی دیگر آن‌گاه که غرب در دوران رنسانس و عصر روشنگری و

دوران مدرنیته تصمیم گرفت تنها زمینی و انسانی حرکت کند و آنگاه که نقل را عزل و عقل را به جای آن نصب، و انسان را جایگزین خدا نمود و با نگاه و تئوری اومانیستی و راسیونالیستی صرف حرکت خود را آغاز و تمدن خود را به پیش برده، در واقع این نگاه و نگره‌ی تک‌بعدی و حرکت یک‌جانبه هرچند که موفقیت‌هایی را برای جامعه انسانی به بار آورده، اما در واقع از آن‌جا که حرکت او متوازی و متعادل با ارزش‌های الهی و آسمانی و پیام لاهوتی و حیانی نبوده بزرگترین مشکل‌ها و بحران‌ها را برای جامعه به بار آورده، بحران‌ها و چالش‌هایی که همه در برابر آن به ستوه آمده‌اند و دچار سراسیمگی و سردرگمی شده‌اند و زیان اعتراض‌آمیز متفکران و جامعه‌شناسان و... را به سخن در آورده و به انتقاد از تمدن جدید غرب پرداخته و در راستای ارایه‌ی راه‌حل‌ها و راه‌کارهایی برای خروج از این بحران‌ها آستین همت را بالا برده‌اند. در جهان اسلام نیز وقتی که مسلمانان به این نوع گفتمان‌ها و نگاه و نگره‌ها و راه‌وروش‌ها رو آوردند، و این مسیر را برای برخورد با عقل و نقل انتخاب نمودند، مشکلات و معضلات فراوان فکری و پروگرامیکی... را به بار آوردند.

در جهان اسلام وقتی که با تفسیر نص‌گرایی صرف و با نگاه جبری‌گری و خوارجی به تفسیر رخدادها و تعامل با پدیده‌ها رفتند، مشکلات فراوان قشری‌گری، مطلق‌گرایی، انحصارطلبی، افراط‌گری،... را به وجود آوردند و ندهای پرسروصدای لاحکم‌الاله را تبدیل به شعار و ادبیات و گفتمان نمودند، مشکلات کمرشکنی که تا به امروز جامعه اسلامی در برابر آن به ستوه آمده و باج آن را پرداخت خواهد کرد و همچنان تا به حال نیز جامعه اسلامی هزینه‌های هنگفت مادی و معنوی خود را برای ارایه‌ی چهره واقعی خود و تهمت‌زدایی و ذهنیت‌زدایی منفی‌ای که در خصوص آن صورت گرفته پرداخت می‌نماید...



یا وقتی که جامعه اسلامی و روشنفکران و متفکران مسلمان با نگاه عقلانی به تفسیر مسایل اعتقادی و دینی پرداختند و عقل را درگیر حوزه‌ی الهیات و غیبات نمودند، و عقل را سنگ محک تعریف و تحلیل مسایل و مباحث الهیاتی و غیبیاتی و اعتقادی و عبادی قرار داده‌اند و در این راستا فراز و فرودها و سیر و صعودهای غیرمنطقی و غیراصولی مسلک‌های اعتزالی و اشعری و... تولد یافتند و بعداً زندان‌های مخوف متوکلی و مأمونی و شکنجه و اذیت و آزارها و اعدام‌های صحرائی و دادگاه‌ها انگیزاسیون برای فیصله دادن به دیگری و به کرسی نشاندن تز و تئولوژی خویش پادرمیانی نموده‌اند. در واقع این حرکت‌های غیراصولی و غیرمنطقی خطرناک‌ترین و بزرگترین بحران‌ها را در حوزه‌ی فکری و عقلانی و اعتقادی برای مسلمانان به بار آورده و آنها را از رسالت اصلی خویش بازداشته و تا چند قرن نیز عقلانیت مسلمان در فضای غیرشفاف مشغول به فعالیت بوده و نگذاشته‌اند عقلانیت مسلمان در حوزه‌ی اختصاصی خویش آنچه شاید و باید است نقش آفرینی کند. زیرا عقل را با یک سری مقولات و موضوعات غیر مربوطه سرگرم نمودند، مسایلی که هرگز جزو حوزه‌ی کاری و اختیاری عقل نبوده، عقل را درگیر حسن و قبح، بایدها و نبایدها، الهیات و غیبات نمودند، و رسالت اصلی عقل را همانا خلاقیت، نوآوری، فنی‌آوری، اکتشافات و استعمار فی‌الارض و برآورد نمودن نیازهای مادی انسان را به باد فراموشی سپردند. یا از جانبی دیگر وحی و نصوص دینی و قرائت دینی را با یک سری مسایل فلسفی و عقلانی مشغول نمودند، مسایلی که اصلاً قرار بر آن نیست وحی در آن حوزه‌ها و دخالت و یا سخن به میان آورد، و جغرافیای کاری وحی را به تمام مرزها توسعه دادند، و ضریب انتظارات خود را از وحی بسیار بالا بردند، و پاسخ مسایل و مباحث علمی فلسفی و عقلانی و... را از وحی

درخواست می نمودند و با کمال و تمام، می خواستند در این حوزه‌ها حضور جدی پیدا کنند، در حالی که رسالت اصلی وحی را اهمال و یا به حال تعلیق و تعویق درآوردند. چه بسا اکثر این تجاوز مرزی‌ها و پافشاری‌ها و پا در میانی‌ها از جانب عقل‌گرایان و نقل‌گرایان از سر دلباختگی و شیفتگی و یا ساده‌گی بوده است، اما نباید به این شیفتگی‌ها و دلباختگی‌ها و سادگی‌ها اجازه داد در تعیین حوزه‌ی کاری عقل و نقل دخالت و مریک از آن‌ها وارد حوزه‌ی غیرمربوطه نمایند و پا را از گلیم خود فراتر نهند.

البته این موضوع هرگز بدان معنا نیست که گزاره‌های دینی به‌طور کلی و به‌هیچ‌وجه با عقل قابل درک نیستند، بلکه حوزه‌ها و گزاره‌هایی از دین وجود دارند که کاملاً می‌توان با مقیاس‌ها و معیارهای عقلانیت سبک و سنگینی و فهم شونند، اما در عین حال برخی از حوزه‌ها و مناطق جغرافیایی معرفتی و ماهیتی مسایل و گزاره‌های دینی نیز وجود دارند که در خور هاضمه فاهمه عقل نیستند، و به قول عارفان به ویژه استاد غزالی طوسی: عقل دیگر یارای ورود به این وادی را ندارد، و توان هضم این مسایل و مباحث را ندارد و نمی‌تواند این لقمه‌ها را قورت دهد، و دیگر مانور عقلی در این مناطق غیرمأنوس، نه اینکه انسان را به نتیجه نمی‌رساند بلکه آن را دچار سردرگمی، و توان و پتانسیل او را به هدر خواهد داد. و از جانبی دیگر، وحی نیز، بدان معنا نیست که از مسایل علمی و کلامی و استدلالی استفاده ننموده باشد، بلکه گاه و بیگاه اشارات علمی و... داشته، اما بحث در این جا شروع خواهد شد که وحی نمی‌خواهد به طور جزئی و ریشه‌ای و هدف‌دار وارد این وادی شود، و اصلاً قرار بر آن نیست که وحی به مسایل علمی، پزشکی و... ما پردازد و عقل انسان را با یک قفل محکم ببندد، و به قول استاد محمد غزالی

مصری قرار بر آن نیست که قرآن یک کتاب علمی باشد، زیرا رسالت قرآن بسی فراتر و فراوان‌تر از این مسایل است.

البته هرگز این موضوع بمعنای قایل شدن به تفکیک کلی و به تضاد ماهوی عقل و نقل نیست، بلکه کاملاً معتقد به این اصل مهم است که عقل و نقل ارتباطی تکاملی و تلازمی با هم دارند، ولی این اذعان و اعتراف نیز هرگز بمعنای سلب اختیار کاری و فقدان تصمیم‌گیری و منع استقلال کاری هر یک از آن دو بشمار نخواهد آمد.

لازم است که متفکران و فرهیختگان هر دو حوزه‌ی عقلانی و وحیانی، همان شیفتگی‌ها و دلباختگی‌ها را کنار بگذارند و با روش اپستمولوژیکی به باز تعریف پارادایم کاری عقل و نقل و به باز تعیین اهداف و فلسفه‌ی وجودی هر یک از آن دو، بپردازند، و این دو منبع مهم و بزرگ معرفتی و یا ابزار معرفتی را برای تحولات بزرگ و بنیادین اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، سیاسی، علمی، فرهنگی، تمدنی... فعال و اکتیو نمایند زمین و آسمان، خدا و انسان، عقل و نقل، هدی و نهی، کتاب هستی و کتاب قدسی را با هم آشتی دهند، و در راستای نهادینه کردن و پراکتیزه نمودن خوشبختی، خوش‌وقتی و خوش‌کامی دنیا و آخرت انسان از آن‌ها استفاده نمایند.

این کتاب ارزشمند اثر استاد بزرگوار جناب دکتر عبدالحمید ابوسلیمان می‌باشد، و در واقع می‌توان گفت که مهم‌ترین و یا یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که در این رابطه به نگارش درآمده و چالش‌ها و بحران‌هایی را که دامنگیر عالمان دینی و سیاستمداران و عقل‌گرایان و نصرگرایان شده، را مورد بررسی قرار داده و راه‌کارها و راه‌حل‌هایی پراکتیکی را برای خروج از این فراز و فرودهای غیراصولی و فرایندهای ناهمواری که در تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی به وجود آمده ارایه داده است.

امید است که این کتاب مورد توجه خوانندگان گرامی واقع شود و مطالب و مباحث طرح شده را با نگاه علمی و تحقیقاتی و کاربردی مورد التفات قرار دهند.

در پایان لازم است که از همکاری صمیمانه برادران و خواهران گرامی زحمتکش نشر احسان به خاطر تایپ، آماده‌سازی، چاپ و نشر این کتاب تقدیر و تشکر فراوان داشته باشم و از خداوند بزرگ توفیق هرچه بیشتر را برای آن عزیزان و سروران خواستارم.

والسلام

علی عزیزی. یانه

## پیشگفتار

تحلیلگران و روشنفکران همه بر این موضوع اتفاق نظر دارند که امت اسلامی بدترین مرحله از تاریخ خود را پشت سر می‌گذارد، آن هم بعد از آن که قدرت‌های خارجی و نیروهای بیگانه دو آزمون تلخ را در طول دو قرن به وی برگزار نمودند: یکی آزمون استبداد و استثمار اجباری جامعه اسلامی در راستای پذیرفتن تجربه‌های بیگانگان، و دیگری تطبیق و تحمیل اجباری فرهنگ غیر بومی در حوزه‌های گوناگون جامعه اسلامی امت اسلامی در مرحله بسیار سخت و ناهم‌راری قرار گرفته مرحله‌ی شکاف اجتماعی، گسستن شیرازه وحدت، فقدان هویت، فروریزی مؤسسه‌ها و سازمان‌های مدنی، واماندن از عبور از وضعیت نابه‌مگون و نابسامان و بحران‌زده‌ای که در آن دچار آشفتگی شده است.

و همچنین همه بر این موضوع مهم اتفاق نظر دارند که تغییر و اصلاح وضعیت نامطلوب موجود به وضعیت مطلوب غیر موجود یک ضرورت دینی و فرهنگی و اجتماعی است.

در بسیاری از پایتخت‌های کشورهای اسلامی به‌ویژه مصر و ترکیه با تمدن غرب ارتباط مستقیم برقرار نمودند و در انجام همین ارتباطات

بود که آن‌ها به خطر بسیار خطیر و سترگی پی بردند و آن را احساس کردند.

امت اسلامی در این مدت مدید در تمام زمینه‌ها آزمون دیگران را دنبال نمود و رهیافت‌های آن‌ها را روزنه امید خویش قرار داد و تازها و تمولوژی‌های سیاسی، فرهنگی، هنری، مدیریتی، اجتماعی، و روشنفکری و معرفتی آن‌ها را پراکتیزه نمود؛ اما با وجود این فرافکنی‌ها نتوانست به خواب و خیال‌های خود جامه‌ی عمل بپوشاند و به اهداف خود دست یابد و بلکه در نهایت برایش معلوم شد که در هر شرایطی باید تنها بر خود متکی باشد.

و این بدان معنا است که رهبری امت اسلامی در فعال‌سازی و سازماندهی پروژه اصلاحات در راستای اهداف موردنظر نتوانسته رهیافتی درست را برای رهایی از بحران موجود تعیین بنماید. اگر ما نگاهی عمیق و موشکافانه به این موضوع داشته باشیم و آن را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم، و اگر آزمون‌های گذشته که امت اسلامی برای عبور از بحران انجام داده، مورد مذاقه قرار دهیم و آن‌ها را به‌طور دقیق و موضوعی ارزیابی نماییم به این نکته‌ی مهم پی خواهیم برد که نقطه‌ی مرکزی در انجام پروژه اصلاحات باید نخست از فکر و اندیشه آغاز شود، زیرا فکر و اندیشه مقدمه‌ای طبیعی برای صورت‌گیری و شکل‌دهی هر عملی و کاری است؛ خواه این کار درست باشد یا غلط.

و این بدین معنا است که فکر و اندیشه‌ی صحیح می‌تواند رنسانس و خیزش درست را در جامعه به ارمغان آورد و امت اسلامی را از بحران نفس‌گیرش نجات دهد.

وقتی که اسلام خود برای امت اسلامی، فکر بنیادین و صحیح را شکل دهی می‌نماید و وقتی که خود ساختار روح و روان امت اسلامی را

ساختاربندی خواهد نمود و ضمیر آن را به تحریک درمی آورد، و پتانسیل مؤثر را جهت فعال‌سازی توانمندی‌های علمی و فنی و رشادت‌های صحیح ملی و خدمات‌رسانی اجتماعی نهادینه خواهد نمود، دیگر فکر و اندیشه، ضرورتاً همان «فکر و اندیشه‌ی اسلامی» است و دیگر نیازی به دیگر نگاه‌ها و نگره‌ها و روزنه‌ها نیست.

پس می‌توان گفت: فعال‌سازی پروژه‌ی اصلاحات مطلوب قبل از هر چیز آکتیو نمودن فعالیت فکری است؛ و لازم است این پروژه بر مبنای اسلام صورت گیرد و از رهنمودهای آن استفاده بهینه نماید و به موجب بینش و ارزش و حد و مرزها و قواعد اخلاقی آن فعالیت خود را آغاز کند. زیرا اصطلاح «فکر اسلامی» یک اصطلاح فراگیر است و مردم هر یک بنابه ظرفیت فکری و توان علمی خود فهمی متفاوت از آن دارند. لذا نیاز مبرمی به تعیین پارادایم و چارچوبی مشخص برای آن داریم، تا خط‌مشی‌ها و حد و مرزها تبیین و معانی اصطلاحات روشن باشند، به امید آن‌که در نهایت از این آشفتنگی و بحران‌زدگی عبور و به یک اندیشه‌ی واحد دست پیدا کنیم، و جهت‌دهی فکری ما یک روزنه را بیابد. این کتاب بدین خاطر پا به میان گذاشته تا این‌که حضور فعال و مستقیم خود را در روشنگری این موضوع و ریشه‌یابی و راه‌یابی جهت حل و فصل این معطل اعلام دارد.

کتاب پیش رو با حرف و حدیث راجع به پروگرام کلاسیکی سنتی اندیشه اسلامی پژوهش خود را آغاز و بعداً آن را مورد انتقاد و ارزیابی قرار می‌دهد و همچنین موضوع قواعد و زیرساخت ساختمان اندیشه اسلامی را از لحاظ چارچوب و پارادایم و منبع و رهیافت‌های اساسی و اصولی به میان می‌آورد و بعداً راجع به پراکتیزه نمودن و اجرای این پروگرام‌ها از لحاظ تعیین حوزه فعالیت و حوزه بکارگیری ابزار،

می پردازد؛ و بحث خود را با طرح موضوع پروگرام اسلامی و علوم به طور کلی به پایان خواهد برد.

و بعد از همه این‌ها به مطرح نمودن موضوع علوم اجتماعی و انسانی اسلامی و بخش‌های ویژه آن‌ها از نگره‌ی اسلام معرفتی و از نگاه سازمان‌های مطمئن علمی خواهد پرداخت.

و در بخش پایانی، توقفی کوتاه خواهد کرد و راجع به دو موضوع مهم بحث و فحص می‌نماید:

یک: اسلام و چشم‌انداز آینده

دو: آینده‌ی حرکت کاروان زندگی انسان

و پژوهش خود را با این دیدگاه که در حقیقت هسته‌ی بینش نویسنده نیز می‌باشد به پایان می‌برد، این‌که اسلام موضوع بنیادین و سرنوشت‌ساز این امت و تنها راه رهایی این امت از آن بحران خفقان است، و تنها اسلام طراحی مهندسی ساخت و ساز ساختمان تمدن مسلمانان را ارائه می‌دهد، و تنها اوست که می‌تواند خیزش علمی و رنسانسی اجتماعی در جامعه اسلامی ایجاد نماید.

بدون شک اصلاح پروگرام خردورزی و ریشه‌یابی مطالب و عبور از حاشیه‌ی مسایل به متن آن‌ها و از قد و قوار و دکوراسیون مشکلات به بطن و حقیقت آن‌ها و ایجاد قواعد عام و قوانین کلی و اصلاح رهیافت‌ها بنابه تعالیم والای اسلام، خود ضمانتی واقعی است برای پراکتیزه کردن و ثمردهی پروژه‌ی اصلاحات فکری؛ و امت اسلامی با این کار اولین قدم خود را بر حرکت در مسیر صحیح خواهد نهاد، و این هدف بزرگی است که این کتاب آن را دنبال و برای تحقق آن گام جدی نهاده.

چه بسا برخی از خوانندگان با خود بگویند: چرا نویسنده‌ی ارجمند آن حجم گسترده را به موضوع فکر و عقلانیت اختصاص داده؟ ولی



چیزی که غیر قابل بحث است این است که بنا به اجماع اندیشمندان و روشنفکران اسلامی موضوع فکر و عقلانیت، یک موضوع بنیادین می‌باشد و در مقیاس ضروری جا دارد، و آن را تیتیر اول بحث‌های پژوهشی خود قرار داده‌اند؛ البته این اهتمام فوق‌العاده به معنای تعلیق یا تعویق دیگر موضوع‌ها نیست، بلکه لازم است این بحث‌ها و پژوهش‌ها همه با هم برای شکل‌گیری و شکل‌دهی یک نهضت و رنسانس بزرگ بنابر تعالیم والای اسلام بستر سازی نمایند.

هر چند که راجع به وضعیت بحران فکری و ساختار عقلانیت مسلمان و بازسازی آن و مباحث فکری و روش‌شناختی و پروگرام‌گرایی اسلامی پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته و چاپ شده، اما پژوهش نویسنده از نوعی دیگر و از شاخص‌های موضوعی برخوردار است.

نویسنده گرامی در آرایه‌ی پژوهش خویش در خصوص بحران امت اسلامی و بسعد فکری و پروگرام‌گرایی و روش‌شناختی و همچنین ریشه‌یابی تاریخی آن، بسیار موشکافانه و محققانه وارد آن می‌شود و آن را مورد مذاقه قرار می‌دهد، طوری که روش‌شناختی و روش‌تحلیلی این موضوع از جانب راقم این کتاب بی‌همتا است.

مباحث و مسائلی که برخی از نویسندگان بطور گذرا آن را به بحث گذارده‌اند و یا اینکه از یک زاویه بدان نگریسته و دیگر زاویه‌ها را اهمال کرده‌اند، نویسنده این پژوهش هرگز این روش‌تحلیلی را در پژوهش خویش به کار نبرده، و بلکه آن‌ها را از تمام زاویه‌ها و مقیاس‌ها مورد بررسی دقیق و عمیق قرار و آن‌ها را به هم ربط داده است، و پند و اندرزها، و پروگرام‌گرایی و روش‌شناختی رسیدن به هدف را پیگیری کرده و آن‌ها را در تحقیقات خویش دخالت داده است، طوری که این روش پژوهشی بعنوان شاخص اصلی و نظرات کلی و فراگیر وی درآمده و

حتی می‌توان گفت: این روش، نقطه‌ی افتراق وی با دیگر پژوهشگران است؛ نویسنده توان و پتانسیل خود را در مباحث و مسایل جزئی و حاشیه‌ای صرف نکرده و وارد مباحث فنی و تخصصی و آکادمیکی نشده، و هرگز اجازه نداده ذهن و ضمیر خواننده را بسیار به این‌گونه مسایل مشغول نماید، بلکه مستقیماً دست خواننده را بر اصل مطلب می‌نهد و آن را بدان آشنا می‌کند؛ و از این جاست که در مرحله‌ی نخست، فهم درست روش ویژه نویسنده برای خواننده بسیار سخت است، اما اگر آن‌را در پرتو هدفی که تعیین کرده و فکر و اندیشه‌ی بنیادینی که ارایه نموده، دوباره آن‌را مطالعه نماید بسیار آسان آن را فهم خواهد کرد و راحت به قناعت قلبی و آرامش روحی خواهد رسید.

شما این کتاب را یک کتاب رماتیک و با یک دردل که آراسته به آرایه‌های لفظی و روش گفتاری باشد نمی‌خوانید، بلکه خود را در برابر معدنی فشرده از افکار و اندیشه‌های گوناگون می‌یابید که باهم برای ورود به خانه عقل و ضمیر تو به مسابقه افتاده‌اند، و چه بسا شاید خواسته یا ناخواسته قناعت قلبی و درونی را برای شما به وجود بیاورد. نویسنده مجاهد سخت‌کوشی است که هم و غم خود را معطوف به مسئولیت مهم دعوت دینی نموده و همیشه چه در دوران جوانی و نوجوانی و کهن‌سالی بار سنگین مسئولیت و مشکلات عدیده دعوت دینی بر دوش وی بوده؛ و هیچگاه طرح موضوع آلام و آه و اندوه امت اسلامی نسبت به وی همانند ارایه‌ی گزارش و یا ریکلامی هنری و ادبیاتی نبوده و نیست بلکه این همه داد و فغان‌ها حاکی از آینه‌ی انعکاس سیمای واقعی آلام و اندوه و حسرت درونی و فعالیت خدمت‌گزارانه‌ی او است؛ زیرا اگر او شاعر می‌بود، حالا کتابخانه‌ها را با اشعار زیبا و دلربای خویش پر می‌کرد و اگر نویسنده‌ای حرفه‌ای و پیشه‌ای می‌بود، حالا فهرست کتاب‌های وی چند برابر بود.

در حقیقت بدون هیچ مدافعه‌ای، نویسنده‌ای کارآمد می‌تواند از هر یک از نظرات و دیدگاه‌های طرح‌شده‌ی پژوهشگر این پژوهش یک یا چند کتاب را به رشته‌ی تحریر درآورد زیرا وی اندیشمند و روشنفکری ورژه است که سخت پایبند به اهداف امت اسلامی و اهداف خود است؛ و گاه‌ها در روش گفتار و گفتمان وی خشونت‌هایی از نوع مجاهدان و سرسختی‌هایی از نوع سیاستمداران دیده می‌شود؛ نویسنده اهداف خود را تعیین و بعد آن را به‌طور جد دنبال می‌کند؛ هرگز ذهن و ضمیر خواننده را مشوش و منحرف نخواهد کرد، بلکه یک زلزله در مقیاس ریشتر بالای در اندیشه و عقلانیت خواننده ایجاد می‌نماید، و با اوج قدرت و صلابت نگاه و نگره‌ی وی را متوجه هدفش می‌نماید، تا راه برای وی روشن و هموار گردد، و دیگر آن عمر کمی که در دست مانده را از دست ندهد.

چاپ و انتشار این اثر بزرگ چند سال به تأخیر افتاد - هرچند که فصل‌بندی و صورت‌بندی مغز پیام کتاب آماده شده بود - تا آن شرایط و موقعیت میرایی که رهبران فکری و اجتماعی‌ای که در آن می‌زیند، ظرفیت پذیرش و یا طرح اظهارنظر در این خصوص از جانب تئوریسن‌های جامعه داشته باشد، و یا آن‌ها بتوانند بدون هیچ دلبهره و واهمه‌ای نگاهی بطن‌گرایانه و فراگیرانه - همانند این پژوهش - به شرایط و موقعیت امت اسلامی داشته باشند، نگاهی که خالی از تعبیرهای احساساتی و پوزش‌طلبانه و مصلحت‌گرایانه و تاریکی و تیرگی مسیر شتاب‌گرایانه سیاست‌طلبان باشد، اما چرخ‌گذر زمان و وقوع رخداد‌های کلان برای چاپ فوری و ضروری این کتاب و انتشار مباحث مهم آن بسترسازی نمود، تا این اثر ارزشمند را نثار میدان پژوهش و میز مذاکره و دیالوگ بنماید. امیدوارم این کتاب مورد پذیرش واقع شود، و محتوای مهم آن از جانب جامعه جوانان و رهبران فکری و اجتماعی مورد توجه

قرار گیرد و مکانت و متانت واقعی را به آن بدهند و با آغوش باز از آن استقبال نمایند.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت می‌نمایم که نویسنده‌ی ارجمند را مورد الطاف بی‌کران خویش قرار دهد، و این اثر را مایه‌ی خیر و رحمت برای جامعه گرداند...

والسلام

د. طه جابر العلوانی

www.ketab.ir

## مقدمه‌ی نویسنده

خواننده‌ی گرامی:

این کتاب را به تو تقدیم می‌نمایم، کتابی بسیار مهم و بسیار پر محتوی، این نوشته هرگز جمع‌آوری و یا تألیف یک اثر ساده و گذرا نیست، بلکه حاصل تحقیقات و پژوهش‌های عمیقی است که موضوع آن ذهن و ضمیر انسان را در طول تاریخ به خود مشغول نموده، موضوع طرح شده‌ای که موضوع یک امت و بلکه خود یک امت محسوب می‌شود.

انسان، در همان دوران کودکی که چشمانش توانسته واژه‌ها را بخواند و زبانش توانسته حرف‌ها را ادا نماید و ذهنش قادر بوده معنای آن‌ها را فهم کند، دل و عقلش را به روی آه و آلام جامعه، و ناله و نازاحتی‌های نویسندگان و شاعرانش باز کرده؛ نویسنده این اثر نیز در مهد تمدن اسلام و در زادگاه رسول گرامی ﷺ و از همان هنگام قرار گرفتن بر میز مدرسه و ورق زدن صفحات تلخناک و کامناک کتاب تاریخ جامعه اسلامی، با خواب و خیال با رادمردان تاریخ زیسته و بهترین آن‌ها را انتخاب کرده، و گاهی حسرت و مرارت ساختار وجود او را در بر گرفته، و مقیاس بالای

بحران‌ها ضریب احساسات وی را برای تغییر و اصلاح آن وضعیت نامطلوب بالا برده.

کاروان زندگی، کارآمدی و شناخت و معرفت را به نویسنده تقدیم کرده است و ناهمواری‌ها و ناهمگونی‌های گوناگون امت اسلامی تداوم تأمل و ژرف‌نگری در شرایط و وضعیت معیشتی و زندگی مسلمانان را به نویسنده اهدا نموده و همیشه و بدون وقفه ریشه‌یابی عوامل افت و خیز ساختار سیاسی و تمدنی و فرهنگی مسلمانان را جزو پرسمان خود از خود قرار داده است، و هرگز ساختمان ذهن و ضمیر نویسنده بر ساختار دوپهلویی و هراس‌آمیزی تربیت نشده و هرگز بدون جواب قانع‌کننده‌ای به پاسخ پرسش‌ها، قناعت پیدا نخواهد کرد.

همچنین ژرف‌نگری و کارآمدی فضایی که شناخت کلاسیکی و شناخت مدرن را باهم جمع کرده، تداوم، تأمل، پژوهش ریشه‌ای و مطالبه ابزار و راه‌حل را به نویسنده ارائه داده است، و هرگز به سوگواری و نوحه‌سرایی و احساسات آتشین رضایت نخواهد داد؛ در واقع وضعیت نابسامان موجود جامعه اسلامی به یک معضل و بحران تبدیل شده که شدیداً نیاز به شناخت روش‌شناختی و تحقیق و تحلیلی موضوعی دارد؛ نویسنده تمام توان و پناسیل ذهنی و پراکتیکی خود را به این پروسه اختصاص داده و تمام تحقیقات و پژوهش‌هایش را به این معضل ربط داده؛ و برای فهم و شناخت این موضوع، به تداوم حرکت در مسیر درست و اصولی و کاوش و کنکاش در کتاب تاریخ و رخدادهای به وقوع پیوسته امت اسلامی پرداخته، و در این فعالیت‌ها و بی‌تابی‌ها جز کشف حقایق و یافتن راه‌هایی چیز دیگری مدنظر نداشته، و حاضر است هر آنچه راکه انسان می‌خواهد در راه سعادت جامعه‌اش و عبور از شرایط بحرانی ملتش انجام دهد، تقدیم بنماید.

## خواننده‌ی گرامی:

وقتی که نویسنده این پروژه مهم را راه‌اندازی نموده، در حقیقت می‌خواهد سخن دل خود را بگوید و پرده از راز و رمز فکری و تئولوژی خویش بردارد و آن را در میدان تحقیقات و پژوهش‌های معمول کاربردی نماید، زیرا بیماری و ناراحتی که از آن صحبت می‌نماید در حقیقت می‌خواهد بیماری و ناراحتی خود را اعلام دارد، و آن‌ها را از آن خود می‌داند، و رخدادهای تاریخی و پس‌مانده‌های گذشته و سختی‌های حال حاضر و دلواپسی‌های و آرزوهای و دغدغه‌های آینده در اعماق و پس‌پرده‌های ذهنی وی رسوخ کرده، و کسی بهتر از او این سراسیمگی و آشفتگی و ناراحتی را احساس نمی‌کند زیرا او می‌تواند کالبد شکافی این بیماری را بنماید و روش مداوا و بهبود آن را نیز ارایه دهد، چون هر فاجعه و خسارت و سیه‌روزی که به وجود بیاید در حقیقت نخست خود او را نشانه خواهد گرفت. هرگز هر آن‌چه را که نویسنده می‌نویسد به معنای انتقاد و خدشه‌سازی شخصیت دیگران و گستاخی و دل‌آزردگی نیست، بلکه این‌ها تعبیر از فهم و اندیشه و گفتار صداقت و صراحت‌آمیزی است که صداقتش موجب خشم و خشونت و صراحتش موجب ناراحتی و دل‌آزردگی شده.

## خواننده گرامی:

وقتی که نویسنده با زبان صراحت و صداقت با شما صحبت می‌نماید به آن معنا نیست که او از سعادت‌ی که در نهان امت اسلامی و از خیر و برکتی که طبیعت آن‌را در برگرفته و از توان و پتانسیل روحیه‌ای که آن‌را فرا گرفته و از تابش ایمان و بخشش و خدمت و صداقتی که پیشانی وی را پرتوافشانی کرده، بی‌خبر است، زیرا آن‌چه را که به نگارش درآورده هرگز

به معنای تمجید و تعریف و درخواست پوزش و بستن زبان گله‌مندی نیست، بلکه نویسنده خود را در مقام فردی قرار داده که در اوج ناتوانی و اماندگی و رسوایی و فروماندگی فریاد حمایت و رهایی از آن بحران را سر می‌دهد.

و اگر در بعضی جاه‌ها در خصوص تقدیر و تمجید لازم از امت اسلامی و دستاوردها و قهرمانان و نخبگان و رهبران و جوانان و مجاهدان آن کوتاهی کرده همه بدان خاطر بوده که وضعیت و شرایط در اوج بحرانی و ناهمواری قرار گرفته و می‌خواهد بدون مقدمه وارد اصل قضیه شود و دست بر سر بیماری بندد و درخواست مداوای آن را بنماید.

هرگز آن‌چه را که به رشته‌ی تحریر درآورده‌ام بدان معنا نیست که خواننده را بنابه اجبار و اکراه و اادار به پذیرش آن بنمایم، یا دلهره آفتابی نمودن و اصلاح اشتباه‌های آن را داشته باشم، خیر، زیرا آن‌چه که مدنظر دارم این است: خواننده مرا در این پژوهش و در آن‌چه که بدان دست یافته‌ام همراهی نماید، این‌که چه عواملی و چه اسبابی باعث افت امت اسلامی و رکود فکری و فرهنگی و سیاسی آن‌ها شده؟

هیچ‌کس همانند من خوش حال نیست که ببیند این کتاب خیزش و دیالوگ و میزگردهایی را برای دست‌یابی به واقعیت قضیه ایجاد کرده باشد و ابرهای تیره و گمان‌های بد را پاکسازی کرده و راه‌حلی را ارایه داده باشد مهم نیست که این راه‌حل موافق راه‌حل نویسنده باشد یا خیر.

وقتی که هدف ما در این جا دستیابی به حق و بحث و بررسی در خصوص زیرساخت و اصول موضوع طرح شده باشد، و در نهایت بخواهد به راه‌حل و رهیافتی برسد، پس هیچ چیزی بهتر و بزرگتر از حق و حقیقت نیست.

مطلبی که این پژوهش برای دستیابی بدان تلاش می‌کند این است که



می‌خواهد بتواند به‌عنوان مشارکتی فعال در ارایه‌ی تصویری توانا و فعال از امت اسلامی در عرصه رسانه نوشتاری حضور پیدا کند، امتی که خالی از معلولیت فردی و اجتماعی و عاری از گسست سیاسی و مدنی باشد؛ و راه درست و صحیحی را که امت اسلامی از لحاظ تئوری و پراکتیکی به دنبال آن است، به نمایش بگذارد و اهداف و ابزار واقعی را انتخاب نماید. این کتاب توجه چندانی به ورود به میدان جزئیات و ارایه مثال و دلایل و ایجاد مناقشه و نقد و بررسی آراء نمی‌دهد، بلکه بیشتر مشغلت ذهی خود را متوجه مسایل کلان و کلی کرده است.

امیدوارم که این کتاب مورد پذیرش حوزه روشنفکران و فرهنگیان و سیاستمداران و جامعه مدنی قرار گیرد و پیام فکری و پروگرامگرایی و اهتمام جدی آن‌ها در خصوص موضوع طرح شده مورد مذاقه واقع شود، موضوع مهم بحران فکری و عقلانی که فاقد نگاه و نگره فراگیر و پروگرامگرایی و تکامل یافته و ارایه جایگزینی درست و راه‌حلی واقعی است؛ و امیدواریم که این رساله سرآغاز و استارت راه‌اندازی دیالوگی جدی و صریح جهت ایجاد پژوهش و تحقیق واقع شود.

و ما برای تحقق این پژوه هر نوع ترس و هراس و دلهره‌ای را از نهان خودمان برچیده‌ایم به امید آن‌که به عمق عمیق بحرانی که دچار عقلانیت مسلمان شده برسیم و بعد بتوانیم بنا به حد توان برای رسیدن به هدف مورد نظر، ابزار و راه کار ارایه دهیم.

این پروژه هرگز به‌معنای کاهش مقیاس ارزش هیچ‌یک از گروه‌ها و متفکران جامعه اسلامی نیست، بلکه نویسنده کاملاً آگاه به ایمان و اخلاص و خدمت و فداکاری فرزندان برومند این امت و عالمان و متفکران بوده و هست، بلکه این پروژه فعالیتت جدی است در راستای فهم موضوعی کاروان تاریخ این امت و حوادث و وقایع آن، موضوعی که

شهروندان و سیاستمداران را در مسیری قرار داده که هیچ تابلویی و راهنمایی برای حرکت مسالمت‌آمیز بر روی آن نصب نشده و به همین خاطر نگاه‌ها و نگره‌ها در آن تار و تیره است و هر نوع جایگزینی در آن غیرممکن می‌باشد. این پروژه هرگز در راستای سرزنش و خدشه‌دار نمودن شخصیت دیگران گام بر نخواهد داشت، بلکه این یک فعالیتی پژوهشی است و با همان ادبیات وارد میدان شده و کاملاً بدان معتقد می‌باشد، چون نویسنده خواهان برطرف شدن هم و غم تمام انسان‌ها و برداشتن موانع پیش‌روی آن است، هر چند که این موانع در نهان و عقلانیت خود آن‌ها نهفته باشد.

انتظار می‌رود روشنفکران و فرهنگیان و سیاستمداران و جوانان برومند این امت احساس مسئولیت نمایند. و با این پژوهش تعامل شفاف و درست داشته باشند، و ابزار و راهکار لازم را برای مقابله با جنگ افروزی‌ها و تهاجمات حتمی به کار گیرند، البته این موضوع مهم هرگز با انکار هویت و طبیعت خود و صرف هزینه‌های هنگفت مادی و جانی و فراخوانی‌های فراوان عمومی برای پایبندی به ارزش‌ها و اصول اعتقادی، و تنها با سخنرانی‌های جذاب و آتشین نیز صورت نخواهد گرفت، بلکه این پروژه نخست باید با اصلاح روش اندیشه صورت گیرد، زیرا این گام مهم، پایه‌ی اصلاح روش تربیت و اصلاح مؤسسه‌های مدنی و تجدید ساختار و پتانسیل روحی و روانی است و تنها راه رسیدن به قله‌های معرفت و توان ملی می‌باشد.

تشخیص بیماری و شناخت درمان و رهیافت‌های اصلاحات، موضوع و محتوای این کتاب و این دیالوگ را تشکیل می‌دهند، و این هسته‌ای است برای هر اندیشمند و روشنفکر مخلصی که حق و حقیقت را مدنظر دارد، هر چند که آن‌ها دارای دیدگاه‌های متفاوتی باشند، زیرا این هدف

مهم با اصلاح انگیزش‌ها و موضوعیت نقد آرا تحقق پیدا خواهد نمود، تا هدف همه یکی باشد و نگاه‌ها و دیدگاه‌ها تکامل یابند و ابزار رسیدن به هدف فراوان شوند.

### زیرویرانه‌های ساختمان

همان‌گونه که ذکر شد این کتاب در صورت اولیه خود یک مجموعه از سخنرانی‌ها و بحث‌هایی بود که نویسنده آن‌ها را قبلاً ارائه داده بود؛ و نقطه‌ی آغاز این پژوهش، زمانی آغاز شد که نویسنده هنوز دانشجوی بود و این بحث‌ها را به صورت پیش‌نویس ارائه داد به امید این‌که بتوان در آینده بیشتر و بهتر بازنویسی و ویراستاری شود و شرح و بسط‌هایی نیز بر آن افزوده شود، زیرا به خاطر مشغلت کاری، وقت کافی برای اتمام این بحث‌ها و سخنرانی‌ها را نداشت، و وقتی که در سال ۱۴۰۴ هـ ۱۹۸۴ م، به عنوان مدیرکل "پژوهشکده جهانی اندیشه‌ی اسلامی" انتخاب شدم شروع به جمع‌بندی این سخنرانی‌ها و بحث‌ها نمودم و طرح و پیش‌نویس این کتاب را ارائه دادم و بعد به سبب تراکم کاری پژوهشکده این پروژه را در دو سال به اتمام رساندم و در این مدت در برخی از کشورها و بر بسیاری از تریبون‌ها مطالب و محتوای این کتاب را ارائه دادم و جامعه روشنفکران و فرهنگیان همه از مطالب و محتوای آن استقبال کردند و واقعیت و اهمیت قضیه را بیشتر برای بنده مورد تأکید قرار دادند، و حتی بسیاری از نویسندگان در ورود به متن این قضیه و ریشه‌دار نمودن آن با پژوهشکده همکاری نمودند و انتشار آن بدین خاطر به تعویق افتاد تا از کانال این سخنرانی‌ها و سمینارها مغز این مباحث طرح و برای هضم و فهم آن بسترسازی شود، و عوامل روحی و معنوی موجود برطرف و مغز پیام این پژوهش به باده فراموشی سپرده نشود.